

۱- لا تُحْرَكُ البومة عَيْنَيْهَا فِي أَتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ لِأَنَّهَا ثَابِتَةٌ وَ لَكِنَّ تَعْوِضَ هَذَا النِّقْصِ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا:

- ۱) جغد چشم‌هایش را در جهت‌های مختلف حرکت نمی‌دهد زیرا آن‌ها ثابت هستند اما جبران این نقص در حرکت دادن سرش است.
- ۲) جغد حرکت نمی‌داد چشم‌هایش را در جهت‌های متفاوت چرا که آن‌ها ثابت بودند ولی این نقص را با حرکت دادن سرش جبران می‌کند.
- ۳) جغد، چشمانش در سمت‌های مختلف حرکت نمی‌کند زیرا ثابت هستند ولی این نقص را با حرکت سرش معاوضه می‌کند.
- ۴) جغد چشمش را در جهت‌های مختلف حرکت نمی‌دهد به دلیل این که آن ثابت است اما جبران این نقص در حرکت دادن سرش می‌باشد.

۲- إِنَّ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ كَانُوا يُخْرَبُونَ بِيُوتِ النَّاسِ وَ يُنْهَبُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ لَكِنَّهُمْ تَخَلَّصُوا مِنْهَا بِبِنَاءِ سَدٍّ عَظِيمٍ:

- ۱) البته این دو قبیله خانه‌های مردم را ویران می‌کنند و اموالشان را می‌ربایند ولی ایشان با ساختن سد بزرگی از آن‌ها خلاص شدند.
- ۲) قطعاً این دو قبیله‌هایی هستند که خانه‌های مردم را ویران می‌کردند و مال‌هایشان را به تاراج می‌بردند اما آن‌ها با ساختن سد بزرگ از ایشان رهایی یافتند.
- ۳) قطعاً این دو قبیله خانه‌های مردم را ویران می‌کردند و اموالشان را می‌ربودند اما ایشان با ساختن سد بزرگ از آن‌ها رهایی یافتند.
- ۴) البته این دو قبیله ویران کردند خانه‌های مردم را و اموالشان را به تاراج بردند ولی آن‌ها خلاص شدند با بنا کردن سد بزرگی.

۳- لِقِطٍ سِلَاحٍ طَبِیٍّ وَ هُوَ لِلسَّانِ الْمَمْلُوءِ بِغَدْدٍ تَفْرُزُ سَائِلَاتٍ مُطَهَّرَةٌ لِلتَّيَامِ جُرْحِهِ:

- ۱) گربه سلاحی دارویی دارد و آن زبان پر از غده‌هایی است که مایع‌های پاک‌کننده‌ای را برای بهبودی زخمش ترشح می‌کنند.
- ۲) اردک سلاحی دارویی دارد و آن زبان پر از غددی است که مایع پاکیزه‌کننده‌ای را ترشح می‌کند برای بهبودی زخمش.
- ۳) برای اردک سلاحی دارویی است و آن زبان پر از غده‌هایی است که مایع‌های پاک‌کننده‌ای را برای بهبودی زخمش ترشح می‌کنند.
- ۴) برای گربه سلاحی دارویی است و آن زبان پر از غددی است که مایع‌های پاکیزه‌کننده‌ای ترشح خواهد کرد برای بهبودی زخمش.

۴- حِينَمَا تَذَكِّرُنَا ذِكْرًا تَأْتِنَا حَوْلَ شَعَائِرِ الْحَجِّ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ تَسَاقَطَتِ الدَّمُوعُ مِنْ أَعْيُنِنَا:

- ۱) وقتی که به یاد آوردیم خاطراتمان را پیرامون مراسم حج در سال گذشته اشک‌ها از چشمانمان فرو ریخت.
- ۲) زمانی که به یاد می‌آوریم خاطرات سال گذشته‌مان را در مراسم حج اشک‌هایمان از چشم‌هایمان فرو می‌ریزد.
- ۳) وقتی که خاطراتمان پیرامون مراسم حج در سال گذشته یادآوری شد اشک‌ها از چشم‌ها فرو ریخت.
- ۴) هنگامی که خاطراتمان را درباره مراسم حج در سال گذشته به یاد آوردیم اشک‌ها از چشم‌هایمان فرو ریخت.

۵- لَا شَيْءَ أَحْسَنُ مِنَ النُّقُوشِ وَ الرَّسُومِ وَ التَّمَاثِيلِ لِيُشَجِّعَنَا إِلَى كَشْفِ الْحَضَارَاتِ الْقَدِيمَةِ:

- ۱) هیچ چیز بهتر از نقش‌ها و نقاشی‌ها و مجسمه‌ها نیست برای این که ما را به کشف تمدن‌های قدیم تشویق کند.
- ۲) چیزی بهتر از نقوش و رسم‌ها و تمثال‌ها وجود ندارد که ما را به یافتن تمدن‌های قدیم ترغیب کرده باشد.
- ۳) هیچ چیز نیست که بهتر از نقش‌ها و نقاشی‌ها و تندیس‌ها ما را به کشف تمدن‌های قدیم تشویق کند.
- ۴) چیزی نیست که ما را به کشف تمدن‌های قدیم بهتر از نقوش و نقاشی‌ها و تمثال‌ها ترغیب کرده باشد.

۶- صَعِدَ الزَّوَارُ كُلُّهُمْ جَبَلَ النُّورِ لِزِيَارَةِ غَارِ حِرَاءِ إِيَّا مِنْ لَمْ يَقْدِرُوا عَلَى الصُّعُودِ:

- ۱) همه زوار برای دیدن غار حراء در کوه نور، از آن بالا رفتند مگر آن کسی که نمی‌توانست بالا برود.
- ۲) زائران همگی برای زیارت غار حراء از کوه نور بالا رفتند مگر کسانی که برای صعود قدرت نداشتند.
- ۳) همه زائران به‌خاطر زیارت غار حراء کوه نور را درنوردیدند جز آن‌ها که قدرت بالا رفتن نداشتند.
- ۴) زوار همگی به دیدن غار حراء از کوه نور صعود می‌کنند جز آن کس که نمی‌تواند صعود کند.

۷- هُنَاكَ فِي عَمَقِ ظِلَامِ الْمَحِيطِ أَسْمَاكٌ مُضِيئَةٌ أَشَاهِدُهَا أَنَا مُتَعَجِّبًا:

- ۱) در عمق تاریک اقیانوس ماهی‌هایی نورانی‌اند و من آن‌ها را متعجبانه مشاهده می‌کنم.
- ۲) در اعماق تاریک اقیانوس ماهی‌های نورانی هستند که من با شگفتی به آن‌ها نگاه می‌کنم.
- ۳) در عمق تاریکی اقیانوس ماهی‌هایی نورانی وجود دارد که من آن‌ها را با تعجب مشاهده می‌کنم.
- ۴) در تاریکی اعماق اقیانوس ماهی‌هایی نورانی وجود دارند من درحالی‌که متعجبم آن‌ها را می‌نگرم.

۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِ الْبَطَّةِ غَدَّةٌ تَحْتَوِي نَوْعًا خَاصًّا مِنَ الزَّيْتِ: در نزدیکی دم اردک غده‌ای وجود دارد که نوع خاصی از روغن را در بر می‌گیرد.
- ۲) مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ: آنچه خداوند قسمت فرموده است برای بندگانش، چیزی برتر از عقل نیست.
- ۳) بَعْضُ الْحَيَوَانَاتِ تَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمَلُ الْأَعْشَابَ الطَّيِّبَةَ: بعضی حیوانات می‌دانند که چگونه گیاه دارویی را استفاده کنند.
- ۴) أَمْ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ: آیا مردم را به نیکی امر می‌کنید و خودتان آن را فراموش می‌کنید.

۹- عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) إِغْلَاقُ هَذَا الْبَابِ الْحَدِيدِيِّ قُرْبَ الْمُضِيْقِ أَمْرٌ صَعَبٌ جَدًّا: بستن این در آهنی در نزدیکی تنگه واقعاً کار سختی است.
- ۲) رَبَّنَا أَعِنَّا فِي دَرُوسِنَا وَ آدَاءِ وَاجِبَاتِنَا: خدایا ما را در درس‌هایمان و نوشتن تکلیف‌هایمان یاری فرما.
- ۳) يَطْبِئِرُ الطَّائِرُ الذَّكِيَّ عِنْدَمَا يَرِي الْحَيَوَانَ الْمَفْتَرِسَ قُرْبَ عَشَّةِ بَغْتَةٍ: پرنده باهوش ناگهان پرواز می‌کند آن هنگام که حیوان درنده را در نزدیکی لانه می‌بیند.
- ۴) عَفْوًا مَتَى سَاعَةٌ دَوَامِكُ وَ مَوَاعِدِ رَاحَتِكَ: ببخشید ساعت کاری تو و وقت‌های استراحتت چه وقت است؟

۱۰- عَيْنِ غَيْرِ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ:

- ۱) كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ: بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشد / هم بر چراغدان شما نیز بگذرد
- ۲) كَأَنَّ إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةٌ لِأَتَدْرِكَ: زندگی به مراد مردم نتوان کرد!
- ۳) الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ: هرگز حسد نبرد بر منصی و مالی / آلا بر آن که دارد با دلبری وصالی
- ۴) عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ: دشمن دانا بلندتر می‌کند / بر زمینت می‌زند نادان دوست

١١- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيْبِ:

«كاش همه شهرهای كشورم را می دیدم»:

- (١) لعلنی أشاهد مدن بلادی جميعاً.
(٢) لیتنی أنظر كلَّ المدن فی بلادی.
(٣) لعلی كنت أنظر مدن بلادی كلها.
(٤) لیتنی كنت أشاهد جميع مدن بلادی.

١٢- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلتَّوْضِيْحَاتِ التَّالِيَةِ:

- (١) الزيت: عضوٌ خلفَ جسمِ الحيوانِ يُحرِّكُه غالباً لِطَرْدِ الحشرات.
(٢) المُستنقع: مكانٌ يجتمعُ فيه الماءُ زماناً طويلاً.
(٣) الفرس: اللّهُ ذات يدٌ من الخشبِ و سنٌّ عريضةٌ من الحديدِ يُقَطَعُ بها.
(٤) الأُسودَة: سعةُ الصدرِ و فرحُ القلبِ.
* اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ، ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ: (٣٨-٤٠)

«الغراب من الطيور المعروفة في العالم. يتميز الغراب بهيئة صوته و لونه الأسود و أيضاً عرف بأحد من الطيور الذكية. يجمع الغراب قطع الخبز ثم يرميها في النهر و عندما تجتمع الأسماك حولها يصيدها بمنقاره. تجذبه الأشياء البراقة و الذهبية كثيراً. جاء ذكر الغراب في القرآن في قصة قابيل و هابيل و هو يعلم قابيل كيف يدفن أخاه. اكتشف الباحثون أن الغراب يستطيع التعرف على وجوه الإنسان و هو يقسم البشر بنوعين بشر جيد و بشر سيئ.»

١٣- عَيْنَ مَا لَيْسَ مِنْ خِصَائِصِ الْغُرَابِ:

- (١) تعليم دفن الأجساد (٢) هو حيوان ذهبي (٣) تقسيم البشر إلى الفريقين (٤) جذب الأشياء البراقة

١٤- عَيْنَ الْخَطَأِ إِنَّ الْغُرَابَ ذَكَى لَأَنَّهُ.....

- (١) يأكل السمك (٢) يدفن الميت (٣) يستخدم الخبز كطعم (٤) يستخدم الحيلة للصيد

١٥- عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- (١) القابيل يتعلم الدفن من أخيه
(٢) الغراب معروف بلونه الأسود و صوته فقط
(٣) الباحثون يقسمون البشر إلى نوعين؛ بشر جيد و بشر سيئ
(٤) الغراب يحب الأشياء الذهبية و مجذوبها

١٦- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«يَعْلَمُ»

- (١) فعل مضارع - للغائب - ثلاثي مزيد (مصدره: تفعل) / الجملة فعلية و فاعله مستتر «ضمير هو»
(٢) فعل مضارع - حروفه الأصلية: ع ل م - مجهول / الجملة فعلية و فاعله قابيل
(٣) للغائب - ثلاثي مزيد (مصدره: تفعيل) - معلوم / الجملة فعلية و فاعله مستتر «ضمير هو»
(٤) فعل مضارع - للمخاطب - ثلاثي مزيد (مصدره: تفعيل) / الجملة فعلية و فاعله قابيل

١٧- «الْبَاحِثُونَ»:

- (١) اسم - جمع سالم - مذكر - اسم فاعل / مفعول
(٢) اسم - مثنى - مذكر - اسم مفعول / فاعل
(٣) اسم - جمع تكسير - مؤنث - اسم مبالغة / مفعول
(٤) اسم - جمع سالم - مذكر - اسم فاعل / فاعل

١٨- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:

- (١) تجذبه الأشياء البراقة و الذهبية كثيراً.
(٢) الغراب من الطيور المعروفة في العالم.
(٣) اكتشف الباحثون أن الغراب يستطيع التعرف
(٤) يتميز الغراب بهيئة صوته و لونه الأسود

١٩- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ لَا يَوْجَدُ مِنَ الْحُرُوفِ الْمَشْبَهَةِ بِالْفِعْلِ:

- (١) لا ضرر لنا لأننا مطمئنون بصدافته.
(٢) كأن السماء تمطر لنا اليوم
(٣) و قال التلميذ الكسل، يا ليتني درست في الشهر الماضي
(٤) أنا منتظر لصدقي لكن ما جاء حتى الآن

٢٠- عَيْنَ مَا فِيهِ الْمُتْرَادِفُ:

- (١) ازدادت مفردات العربية في الفارسية بعد ظهور الإسلام
(٢) بعد أن نزل الماء من السماء أصبحت الأرض مخررة
(٣) دارنا في هذا الشارع و لكن بيت زميلي في شارع آخر
(٤) أصبح المؤمنون بنعمة ربهم إخواناً

٢١- عَيْنَ حَرْفِ «لَا» يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي:

- (١) لا إمكان لصيد أكثر من الأسماك إلا بالشبكة
(٢) لا نفع في قول الكذب و لا شك في ذلك
(٣) لا نرى في المؤمن أذى و لا سوء أبداً
(٤) لا حارس للعلم إلا ذوالعلم نفسه

٢٢- عَيْنَ عِبَارَةٍ الْفَاعِلُ فِيهَا مُحذُوفٌ:

- (١) أرسل الله الأنبياء لهداية البشر
(٢) يشجع المعلم طلبه بهدايا كثيرة
(٣) أجلسنا الأم طفلها على الكرسي
(٤) تغسل ملابس الرياضة قبل بداية المسابقات

٢٣- عَيْنَ الْفِعْلِ الْمَبْنِيِّ لِلْمَجْهُولِ:

- (١) إن الكلام العبث لا يؤيد أبداً
(٢) المؤمن لا يشرك بربه ما ليس له به علم
(٣) المجاهدون سلبوا قدرة أعدائهم
(٤) الناس لن يدركوا خطة الشيطان في حياتهم

٢٤- عَيْنَ الْمَبْتَدَأِ لَيْسَ مُضَافاً:

- (١) حسن الأدب يستر قبح النسب
(٢) ثمرة العلم إخلاص العمل
(٣) سيد القوم خادمهم في السفر
(٤) اللغة العربية لغة مشتركة بين المسلمين

٢٥- عَيْنَ عِبَارَةٍ مَا جَاءَ فِيهَا الْمَفْعُولُ:

- (١) تعيش البومة في الغابة و عيها ثابتة
(٢) من خلق السموات و الأرض في ستة أيام
(٣) يرفع العمل الصالح درجة الإنسان
(٤) قبل ذوالقرنين هدايا الناس باحترام